

جمهوریت در افغانستان

با ۲۶ سرطان ۱۳۸۴ه ش ۳۲ سال از تحول ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ه ش و از بنیا نگذاری جمهوریت در افغانستان میگذرد. این تحول بزرگ، صفحه جدیدی را در تاریخ کشورگشود و به نظام سلطنتی با یک عمر بیش از دوصد سال خاتمه بخشید. در اعلامیه جمهوریت که از طرف بانی آن، سردار شهید محمد داود بیان گردید، این هدف اساسی، برای ایجاد يك افغانستان نوین، مضمربود:

" بنده در طول مدت مسؤ لیت های مختلف در خدمت وطن همیشه در جستجوی هدفی بودم که برای مردم افغانستان مخصوصاً طبقه محروم و نسل جوان مملکت ما يك محیط مثبت و واقعی نشو و نمای مادی و معنوی میسر گردد، و در آن همه افراد وطن ما بدون تبعیض و امتیاز در راه تعالی و عمران وطن خود سهم گرفته و احساس مسولیت نمایند. مدت ها سپری شد و مساعی زیادی بعمل آمد تا عواملی را که نظربه تجارب به شکل های مختلف ما نع رسیدن به چنین هدفی می شدند، تدریجاً از بین برداریم و مخصوصاً در مملکت امنیت قابل اعتباری قایم سازیم که تحول مثبت اقتصادی و اجتماعی را بصورت سالم اجازه بدهد. به نسل جوان احساس مصؤ نیت بخشد و از نشو و نمای خرافی و ارتجاعی جلو گیری نماید. پس از طی این مراحل، دیگر علتی سراغ نداشتیم که در وطن ما صفحه جدیدی بغرض رسیدن به هدف فوق بازنگردد. من برای سعادت وطن خود جز قایم ساختن یک دیموکراسی واقعی و معقول که اساس آن بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان برقرار باشد، راه دیگری سراغ نداشتیم و ندارم. بنظر بنده تهداب اصلی چنین یک وضع اجتماعی تأمین کامل حقوق مردم و اعتراف کامل به اصل حاکمیت ملی است که باید به دو اصل فوق ظاهر و یا پوشیده خللی وارد نشود. . . باید به اطلاع شما برسانم که دیگر این نظام (نظام شاهی) از بین رفت و نظام جدیدی که عبارت از نظام جمهوریت است و با روحیه اسلام موافق است، جا گزین آن گردید."

قانون اساسی جدید کشور که بتاريخ ۱۴ جدی ۱۳۸۲ه ش تصویب و نظام جمهوریت بدون چون و چرا از طرف نمایندگان ملت افغانستان (صرف نظر از ترکیب اعضای لویه جرگه) مورد قبول قرار گرفت، در واقعیت تأیید است از قیام ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ه ش و اعلام جمهوریت آن. بتقریب سی و دومین سال تاسیس جمهوریت در افغانستان، موزون و بجا خواهد بود، تا کلمات چند در یاد و بود از مؤسس آن و موفقیت های دست یافته در آن جمهوریت، گفته شود.

مرحوم شهید محمد داود، نظام جمهوری را، بتأسی از یک دیموکراسی واقعی و اینکه موافق بروحیه دین مبین اسلام است، اعلام نمود. این نظام که خواسته اکثریت مردم افغانستان است و از طرف شخصیتی مانند مرحوم محمد داود اعلام شد، از طرف کافه ملت با پشتیبانی بیسابقه استقبال گردید. اعلیحضرت پادشاه سابق در یک قسمت از استعفانامه خود عنوان رئیس جمهور مرحوم چنین می نگارند:

" مگر همینکه دریافتم که مردم افغانستان بغرض اداره و امور ملی خود از رژیم جمهوریت با اکثریت کامل استقبال نموده اند، با احترام از اراده مردم و وطنم، خود را از سلطنت مستعفی می شمارم."

شاغلی دکتور سید مخدوم رهین، در حال وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان، بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد ۲۶ سرطان در سال ۱۳۷۷ ه ش، در قسمت شخصیت مرحوم محمد داود در یکی از نوشته های خود، ضمناً چنین ابراز نظر می کند:

"تحلیل و تشریح کارنامه رجال و شخصیت‌های طراز اول هرکشوری اگر از روی بیطرفی و بدون اغراض و مبرا از حب و بغضهای شخصی و کین توزی حقیر صورت گیرد، ما به روشنگری حقایق تاریخی و افزایش آگاهی نسل‌های می‌شود که بحکم تقدیر در زمانه‌های بعد زیسته‌اند. انتشارات برونمرزی ما گاهی در حب و بغض اشخاص چنان تند می‌روند که نه تنها سیمای حقایق را زیر غبار اغراض می‌پوشانند، بلکه نوشته‌های شان درجرائد و مجلات و یا برنامه‌های شان در رادیو و تلویزیونها اغلب تأثیر بر عکس برجا می‌گذارد. تأثیریکه مطلوب گرداننده‌گان این وسایل ارتباط همگانی نیست.

درین سال‌های سیاه که عوامل تفرقه و جدائی افگنی میان مردم افغانستان به وسیله دشمنان ملت ما با امکانات فراخ دست اندر کار است، هرگونه شخصیت پرستی افراطی و یا شخصیت کشی ظالمانه، اثرات خود را محدود به چند ستون یک نشریه و یا چند دقیقه وقت برنامه رادیو و تلویزیون‌ها نمیکند و نقش ویرانگر آن در میان گروه‌ها و حلقه‌ها درین برخورد خونین نفرت خیز تاریخ ما باقی می‌ماند.

داود خان شهید ب مردم و میهن خود عشق می‌ورزید و دوستدار عظمت ملی و فرهنگ میهن خویش بود. او تجسمی بود از غرور ملی و افتخار میهنی... در سپیده‌دمی که در پیکر پیر و ناتوانش تاب و توانی نمانده بود، در برابر شاگردان ابلیس مردانه ایستاد و تسلیم نشد. او حماسه مقاومت ملتی را درین ایستادن و تسلیم نشدن باخون خود رقم زد. او سرخیل شهیدان ملت افغانستان درین ربع قرن است. روان او در بهشت برین شاد باد."

شاغلی عبدالصمد غوث سابق معین سیاسی وزارت خارجه، در کتاب خود بنام "سقوط افغانستان" صحنه ملاقات اخیر آن مرحوم را با برژنف در قصر کرملین چنین بیان می‌دارد:

سفر رئیس جمهور افغانستان بتاريخ ۱۵ اپریل ۱۹۷۷ م بمسکو.

«... روز دیگر نوبت کشور میزبان بود که بیانیه‌ها و نظرات خود را ارائه کند. برژنف بحیث رئیس هیئت‌جا نب شوروی رشته سخن را بدست گرفت. اگرچه از روز پیشتر کمتر مانده و زله بنظر میرسید، باز هم بسختی صحبت می‌کرد و بسیار عرق کرده بود. برژنف چند کلمه برسم خیر مقدم خطاب بر رئیس جمهور افغانستان گفته و اظهار مسرت کرد که موافقتنامه هلسنکی در باب همکاری در اروپا امضا شده است. این یک گام بزرگ در راه تشنج‌زدایی است که باوجود دشواریها در حال پیشرفت است. برژنف گفت که "حلقه‌های نظامی" در ایالات متحده و اروپا و "عظمت طلبان" در جمهوریت مردم چین موانع اصلی بر سر راه رفع تشنجهای بین‌المللی و تحکیم صلح‌اند. او گفت که شوروی مایل است تا روابط خود را با چین انکشاف دهد، اما این تقصیر چین است اگر این تمایل نیک را در نیافته است. او آرزومندی کشورش را برای سعادت افغانستان اظهار داشت و کمک‌های مزید اقتصادی و تخنیکی را وعده داد. برژنف گفت که بیطرفی و عدم تعهد افغانستان برای اتحاد شوروی مهم و برای پیشرفت صلح در آسیا اساسی است و اظهار امید کرد که چنین عدم تعهد قربانی توطئه‌ها و دسائیس امپریا لیزم نشود. درین لحظه برژنف بطرف داود خان نگاه کرد و چیزی گفت که ظاهراً گوریلو ترجمان را بسیار نارام ساخت، اما پس از مکث مختصر با درنگ و تأمل کلمات برژنف را ترجمه کرد و آنچه ما شنیدیم خشن و غیر منتظره بود. برژنف شکایت کرد که شماراز کارشناسان عضو ناتو که در افغانستان کار می‌کنند و همچنان در پروژه‌های سازمان ملل و دیگر پروژه‌های کمکی چند جانبه در افغانستان، بقدر تأملی افزایش یافته است. در گذشته حکومت‌های افغانستان دست کم اجازه نمی‌دادند که کارشناسان کشورهای عضو ناتو در قسمت‌های شمال کشور مستقر شوند، اما این روش دنبال نشده است. اتحاد شوروی این انکشاف را خطرناک و وخیم می‌داند و از حکومت افغانستان می‌خواهد که کارشناسان را که جزء جاسوسان گماشته شده برای پیشبرد مقاصد امپریالیزم هستند، بیرون کند.

سکوت سردی بر فضا مستولی شد. بعضی از روسها بطور آشکار شرمندۀ به نظر میرسیدند و افغانها بسیار ناخوشنود. به داود خان نگاه کردم، صورتش گرفته و تاریک شده بود. برژنف صحبتش را قطع کرد. انگار منتظر جواب از طرف رئیس جمهور افغانستان بود. داود خان با صدای سرد و خشک بجواب برژنف پرداخت و ظاهراً پاسخ او برای روسها چنین غیر منتظره بود که کلمات برژنف برای ما. داود خان به برژنف جواب داد که آنچه حالا وسیله رهبر اتحاد شوروی گفته شد هرگز مورد قبول افغانها قرار نخواهد گرفت. از نظر افغانها این اظهارات دخالت صریح در امور داخلی افغانستان است. داود خان افزود که به علایق خود به اتحاد شوروی ارج می گذارد، اما این علایق باید بصورت روابط میان دو جانی که با هم مساوی اند باقی بماند. ومن (نگارنده) دقیقاً کلمات داود خان را بیاد دارم که خطاب به برژنف گفت:

" ما هرگز به شما اجازه نخواهیم داد که بما دیکته کنید که چگونه مملکت خود را اداره کنیم و چه کسی را در افغانستان استخدام نماییم. اینکه چگونه و در کجا کارشناسان خارجی را استخدام کنیم انحصاراً و کاملاً حق دولت افغانستان خواهد بود. افغانستان اگر لازم باشد فقیر خواهد ماند، اما در عمل و تصمیم گیری خود آزادی خود را حفظ خواهد کرد."

داود خان پس از گفتن این جملات بطور ناگهانی از جا برخاست، افغانها همه از جا برخاستند. داود خان (به علامت خدا حافظی) بطرف روسها سر تکان داد و بطرف دروازه خروجی اطاق بزرگ کنفرانس راهی شد. درین لحظه بود که برژنف مانند کسی که از یک حالت تکان بخود آید، بمشکل از چوکی خود برخاست و در حالیکه پادگورنی و کاسیگین همراهی اش میکردند و ترجمان روسی پشت سر او روان بود، بعجله بطرف داود خان قدم بر میداشت. آشکار بود که برژنف میخواهد آنچه را رخداده ترمیم کند. وحید عبدالله آهسته به داود خان گفت که بخاطر نزاکت دیپلوماتیک بهتر است با روسها بطور صحیح وداع کنیم و گرنه مسافرت مسکو کاملاً نافرمان خواهد بود. او باز هم التماس کرد. داود خان مکث کرد و باز گشت. عصبانیت از چهره اش ذایل شده بود. بطرف روسها پیش آمد و با برژنف که دستش را بطرف او دراز کرده بود دست داد. برژنف با تبسم گشاده گفت: بمن گفتند که جلا لتمام شما مایل اند یک صحبت خصوصی بامن داشته باشید. من در اختیار شما هستم، هر وقت که برای شما مساعد باشد با هم می بینیم. داود خان با صدای صاف و بلند که همه بشنوند جواب داد:

" می خواهم به جلا لتمام تان اطلاع دهم که دیگر احتیاجی به چنین صحبتی نیست."

پس از گفتن این جمله با پادگورنی و کاسیگین دست داد و بسرعت از اطاق بیرون رفت. این آخرین باری بود که داود خان با برژنف دیدار کرد. مذاکرات قطع شده میان دو هیئت دیگر هیچ وقت از سر گرفته نشد و مجلس ارائه نظریات روسها همچنان نا تمام ماند.

مرا مرگ بهتر از آن زندگی که سالار باشم کنم بندگی

عکس العمل مرحوم محمد داود در برابر برژنف که در تاریخ دولت مطلقه کریمیان سابقه نداشت و آن قصر را بلرزه در آورد، گواه از استقلال فکر و عمل آنرا در مرد بزرگ که سرشار از جزئیات ملی خود را در راه شرف و ناموس وطن خود فدا نمود و طوریکه در اعلامیه جمهوریت آمده است،

" سیاست بین المللی افغانستان بر اساس تمنیات ملی کشور برای حیات مادی و معنوی مردم " برایش مطرح بود.

گرچه عمر نظام جمهوری ۲۶ سرطان در افغانستان از پنج سال بیش نبود و گرچه در آن نظام کوتاهی های وجود داشت و اشتباهات رخداد، لکن در همین مدت کوتاه نظم و ثبات در کشور قایم گردید، امنیت سرتاسری برقرار شد، قانون مدنی، قوانین ریفرم اراضی و مالیه متری، قانون ولایات و یک

سلسله قوانین دیگر که در نظم اجتماعی و اداری در کشور اهمیت بسزای داشتند، تسوید، تصویب و در معرض اجرا قرار گرفت. پلان ۷ ساله انکشافی متکی بر زیربناهای که در پلانهای انکشافی پنج ساله اول و دوم تحقق یافته بود و مصارف ۱۸۰ میلیارد افغانی (بنرخ اسعاری آن زمان معادل ۴ میلیارد دالر) را احتوا می کرد، تکمیل گردید. حیثیت و اعتبار افغانستان در مجامع بین المللی اعاده گردید چنانچه منابع مختلف مالی برای سهمگیری در پلان ۷ ساله انکشافی اظهار آمادگی نمودند. در چوکات پلان ۷ ساله انکشافی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ ه ش که شروع پلان بود، به بیش از ۲۲ میلیارد افغانی سرمایه گذاریها صورت گرفت که بنرخ فی دالر ۴۵ افغانی به ۵۰۰ میلیون دالر بالغ میگردد. سطح بیکاری تنزیل نموده و سوبه زندگی متناً سباً بالا رفت. عواید دولت در آخیر سال ۱۳۵۶ ه ش به اضافه از ۱۳ میلیارد افغانی و ذخیره اسعاری به بیش از پنجمصد میلیون دالر بالغ میشد که این بذات خود در تاریخ کشور هیچگاه سابقه نداشته است. اولین اقدام روسها بعد از تهاجم شان انتقال همین ذخیره اسعاری افغانستان به بانک مسکو بود.

اگر دشمنان مردم و کشور با پراه انداختن خیانت و جنایات روزسیا ه ۷ ثور، کشور را به بربادی سوق نمی دادند، ممکن امروز افغانستان که در آستانه تحول قرار گرفته بود، با تطبیق چند پلان انکشافی در دولت جمهوری، در پهلوی ممالک کم و بیش انکشاف یافته قرار میداشت و یا درحالت گذار بآن می بود و ملت بی چاره باین حالت ابتر و فقر دچار نمی گردید. قرار احصائیه سال ۲۰۰۴ م سازمان ملل، در جمله ۱۷۸ کشور نادر جهان، افغانستان در شماره ۱۷۳ قرار گرفته است.

شاد باد روان پاک مرحوم محمد داود با نی جمهوریت در افغانستان .

پایان